

شنبه 3 اسفند 1398 - 27 جمادی الثانی 1441 - 22 فوریه 2020

آغاز عملیات بزرگ خیبر در منطقه هورالهیوزه و شمال بصره (1362 ش)



آغاز عملیات بزرگ خیبر در منطقه هورالهیوزه و شمال بصره (1362 ش)، عملیات بزرگ خیبر با رمز یا رسول الله در جبهه جنوب، هورالهیوزه و شمال بصره در وسعت تقریبی 200 کیلومتر مربع با هدف تصرف و تامین جزایر مجنون و بخشی از هورالهیوزه از سوم اسفند 62 آغاز شد و تا بیست و دوم اسفند به طول انجامید. در این عملیات، رزمندگان اسلام در ابتدا با ورود به جزایر مجنون، از اصل غافل گیری و سرعت بهره گرفته و تعدادی از یگان های مستقر در جزیره را به هلاکت رساندند. در ادامه با فشار بی رمان؛ امان سپاه توحید، دشمن بعضی کیلومترها به عقب رانده شد و نیروهای اسلام با یک حرکت حماسی و باور نکردنی برای دشمن، رودخانه دجله را پشت سر گذاشتند. در روزهای بعد، رزمندگان اسلام در حالی که دشمن به شدت از گلوله شیمیایی استفاده می کرد، با وارد ساختن ضربات سنگین، موفق به پیشروی شده و بعضیان را به عقب راندند. با گذشت دو هفته از شروع عملیات، رزمندگان اسلام موفق شدند تا موقعیت مناطق آزاد شده، از جمله جزایر مجنون را تثبیت کنند و ابتکار عمل را به دست گیرند. این عملیات سرانجام پس از 19 روز نبرد سنگین با نتایج زیر پایان یافت: تلفات نیروی انسانی دشمن: 1140 نفر اسیر و 15000 نفر کشته و زخمی؛ سایر نتایج: به تصرف درآمدن منطقه و ای به وسعت بیش از 1180 کیلومتر مربع، از جمله جزایر مجنون؛ تجهیزات و امکانات: تانک و نفربر: 330 دستگاه انهدامی، 42 دستگاه اغتنامی، هواپیما: 6 فروند انهدامی، دستگاه مهندسی: 60 دستگاه اغتنامی، خودرو: 200 دستگاه انهدامی. عملیات بزرگ خیبر با دستاوردهای ارزشمند، از جمله عملیات و های موفق رزمندگان اسلام محسوب می شود، به نحوی که عراق را مجبور به استفاده گسترده از سلاح و های ممنوعه شیمیایی کرد. با تصرف جزیره مجنون، یکی از حوزه و های مهم نفتی در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت و دشمن را در باز پس گیری آن ناکام گذاشت.

پایداري و بردباري، دو ویژگی مهم ایثارگران و به ویژه آزادگان بود. یکی از آزادگان سرافراز در این زمینه می گوید: <در یکی از شب ها که مشغول نوشتن حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بودم، ناگهان نگهبانی عراقی به آسایشگاه ما آمد. با دیدن من کنجکاو شد و به سویم آمد و پرسید چه می نویسی؟ جواب ندادم. خودش کاغذ را گرفت. نوشته شده بود پیامبر خدا (ص) فرمود: <بدترین مردم کسی است که مردم از ترس او را احترام کنند. با حالت غضبناک مرا نگاه کرد و بعد سیلی محکمی به صورتم نواخت و سوزنی را در زبانه فرو کرد. در حالی که از شدت درد به خود می پیچیدم، در این فکر بودم که این جنایتکاران می توانند شقاوت و بی رحمی را تا حد ممکن برسانند، ولی آن ها نمی دانستند که ما زمزمه با دوست بودن را از خود جدا نمی کنیم و صبر و پایداری را پیشه خود قرار می دهیم تا پیروز و سربلند از این آزمایش بیرون باییم.>

پناهنده شدن "محمدعلی شاه قاجار" به سفارت روس (1327 ق)، با گسترده و تر شدن آتش انقلاب در نقاط مختلف کشور، نهضتی برای فتح تهران توسط مشروطه خواهان ایجاد گردید و پیروزی آنان را به دنبال آورد. در نبردی که بین قوای محمدعلی شاه قاجار و آزادی خواهان؛ خواهان تهران روی داد، قوای دولتی شکست خورده و طرف پیروز در 24 جمادی الثانی 1327 رو به تهران نهاد. این درگیری و ها در تهران ادامه یافت و سرانجام تهران به تصرف مشروطه طلبان درآمد. در این هنگام، محمد علی شاه که خود را در برابر آزادی خواهان ناتوان دید در روز 27 جمادی الثانی به سفارت روسیه پناهنده شد و لیاخوف روسی نیز خود را به فاتحان تهران تسلیم کرد. بعد از ظهر همان روز، در جلسه و ای فوق العاده، محمدعلی شاه، از سلطنت کنار گذاشته شد و فرزند یازده ساله و ی و ی، احمد میرزا را به عنوان پادشاه معرفی کردند. چون احمد شاه کودک بود، نیابت سلطنت او را به عضدالملک، رئیس سالخورده و ی ایل قاجار سپردند و بدین ترتیب دوره و ی استبداد صغیر که در حدود سیزده ماه به طول انجامیده بود به پایان رسید.

شهادت حضرت ابوالحسن علم، اب، امام محمد باقر (ع) (116 ق)، حضرت ابوالحسن علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال 113 هجری قمری جهت امر تبلیغ دین مبین اسلام و پاسخگویی به احساسات مذهبی مومنان وارد کاشان شدند و به مدت 3 سال در میان عاشقان و دلباختگان اهل البیت به ارشاد مردم ولایتمدار پرداختند از ویژگیهای بارز این امامزاده لازم التعظیم می توان به فرزند بلافصل بودن و همچنین نایب الامامین یعنی امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) اشاره نمود درخصوص مقام والای آنحضرت روایتهای متعددی نقل شده است که از جمله آن می توان به حدیث حضرت امام صادق (ع) اشاره نمود که می فرماید: هرکس برادرم حضرت علی ابن باقر (ع) را در اردهال زیارت کند مانند کسی است که قبر جدم حسین (ع) را در کربلا زیارت کرده باشد و همچنین حضرت امام رضا (ع) می فرماید نعم الموضع الاردهال فلزم و تمسک به، چه خوب مکانی است اردهال پس به آن التزام و تمسک پیدا کنید حضرت علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال 116 هجری قمری با یاران و اعوانش به جنگ با کفر زمانه می پردازد و پس از رشادتهای فراوان سرانجام در 27 جمادی الثانی در دره ازناوه با یاران باوفایش به شهادت رسید

و سر مبارکش را از تن جدا نموده و برای حاکم جور وقت در شهر قزون ارسال نمودند و بدن مطهرش را در مشهد اردهال به خاک سپردند .

تولد "آ.ت.ه. شهنشاه" فیلسوف معروف و بدیع، آلمانی (1788م) آرتور شوپنهاور فیلسوف معروف آلمانی در 22 فوریه 1788م در دانتزیک آلمان به دنیا آمد. او به خاطر مرگ زودهنگام پدر و بی‌توجهی مادر، دارای طبیعتی ناآرام، متزلزل و پر از سوءظن و عصبانی بود. شوپنهاور در جوانی با عقاید بودا آشنایی یافت و پس از تحقیق و تفکر زیاد، به آیین بودایی اعتقاد کامل پیدا کرد. وی از آن پس مدتی به تدریس روی آورد اما چون کارش نگرش آن را رها کرد و در سال 1819م کتاب معروف خود به نام جهان به صورت اراده و اندیشه را، منتشر نمود. چون کتابش نیز مورد توجه مردم واقع نشد به سختی از مردم رنجیده خاطر شد و نسبت به اجتماع، بدبین گشت. از این رو، سی سال آخر عمر را به تنهایی در گوشه‌ای به سر برد و به تفکر پرداخت. شوپنهاور از گوشه انزوای خود، جهان را نظاره می‌کرد و نژاد بشر را توده‌ای از حیوانات نامطلوب می‌دید که محکوم به زندگی پُرسستیز و پررنج و بی‌امید هستند. او معتقد بود که حقیقت جهان، خواست و اراده است و شخص، آن گاه به وجود خود پی می‌برد که اراده بر انجام کاری کند. اصل در انسان اراده است و همه نیروها، انواعی از اراده هستند. او می‌گفت: بیایید در این باب بیندیشیم که چه داریم، بلکه بدان بیندیشیم که چه هستیم. بیایید به جای آنکه صندوق‌های خود را پر کنیم، فکر خویش را پرورش دهیم. از این بالاتر، بیایید اراده خود را برای غلبه و پیروزی بر دیگران فرو گذاریم. پیروزی را در درون خود بجویم. چنین اراده‌ای به ما آرامشی می‌دهد که بالاتر از حد تصور است. آرامش کامل روح است. آن گاه فقط دانش و معرفت برای ما باقی می‌ماند و اراده زایل می‌شود. از سوی دیگر به عقیده شوپنهاور، اصل در زندگانی، رنج و گزند است و لذت و خوشی، همانا دفع آلم است. هر چه موجود جاندار در مرتبه حیات برتر باشد رنجش بیشتر می‌باشد، چون بیشتر حس می‌کند و آزار گذشته را بیشتر به یاد می‌آورد و رنج آینده را بهتر پیش‌بینی می‌کند. شوپنهاور اعلام می‌دارد که جنگ، اصل همه شرها در زندگی دردآلود ماست و در دنیای دیگر، درد و رنجی بزرگ‌تر از آن چه در این دنیا هست وجود ندارد. پس چاره نجات از این دوزخ جهانی این است که از جنگ و جدال باز ایستیم و زندگی خود را با اندیشه‌های فلسفی مورد تأمل قرار دهیم، چرا که چاره ما در ثروت نیست بلکه در حکمت است. شوپنهاور به عنوان فیلسوفی بدبین، زندگی را سراسر رنج و عذاب می‌داند و آن را به مرگی تشبیه می‌کند که دم‌به‌دم به تأخیر می‌افتد، سرانجام در حالی اجل می‌رسد که آدمی سودی از حیات خویش نبرده است. مذهب شوپنهاور، اصالت تصور و وحدت وجود بود و عقیده داشت که جهان و هرچه در او هست، عوارض و حوادث و نمایش است و آن چه ما درک می‌کنیم، مصنوع ذهن خودمان است. شوپنهاور نه به روح معتقد است نه به ماده، بلکه به جهان موجود علاقه دارد. وی علاوه بر آن که، فلسفه را امری ضروری می‌دانست، عقیده داشت که فلسفه نباید با جملات پیچیده آمیخته گردد. اندیشه‌ها و آثار شوپنهاور تا سال‌های متعدد، خواننده‌ای نداشت تا این‌که در اواخر عمر، اقبال مردم به وی افزایش یافت. آرتور شوپنهاور در تمام عمر، تنها زیست و در خانه‌اش را به روی همه بست. حوصله تحمل سروصدا را نداشت و بیشتر عمرش را در سکوت اندیشه‌هایش گذراند تا این که سرانجام در 23 سپتامبر 1860م در 72 سالگی، درگذشت.

مرگ آدام اولناریوس، دانشمند و خاورشناس آلمانی در 11 اوت 1603م در این کشور به دنیا آمد. وی پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی، وارد دانشگاه لایپزیگ شد و الهیات، فلسفه، ریاضیات و فیزیک را فراگرفت تا این که با درجه عالی فارغ التحصیل گردید. اولناریوس پس از آن به عنوان کتابدار و حسابدار دربار فرمانروای وقت به خدمت پرداخت و دو سال بعد در 32 سالگی همراه با هیأت بازرگانی آلمان به ایران سفر نمود. او در طی اقامت دو ساله در ایران، بارها به دربار شاه سلطان صفی، پادشاه صفوی راه یافت. اولناریوس در این مدت به فراگیری زبان و ادبیات فارسی پرداخت و با مطالعه کتاب گلستان سعدی، نسخه‌ای از آن را به همراه خود برد و در سال 1654م آن را تحت عنوان گلستان ایران، به زبان آلمانی ترجمه کرد. این نخستین اثر ادبی بود که از زبان فارسی به آلمانی ترجمه می‌شد و آن چنان مورد استقبال آلمانی‌ها و زبان‌ها قرار گرفت که تا بیست بار تجدید چاپ گردید. هم‌چنین استقبال مردم آلمان از ترجمه گلستان باعث شد تا اولناریوس به ترجمه بوستان سعدی و داستان‌های لقمان حکیم هم مبادرت ورزد و آنها را با کمال استادی و مهارت ترجمه و منتشر نماید. اولناریوس در مدت زمان حضور در ایران، سفرنامه‌ای نگاشت و در آن به شرح آداب و رسوم ایرانیان پرداخت. به نظر وی مردم ایران بر اساس اعتقادات مذهبی، هم خود و لباس و هم مکان زندگیشان تمیز است. ایرانیان مردمی باذوق، باهوش، فهمیده، مهمان‌نواز، مؤدب و خوشرو هستند. بچه‌ها از کودکی در مکتب، خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرند و بعضی جوان‌ها، فلسفه، هندسه، فیزیک، حقوق و طب می‌آموزند. اولناریوس در سفرنامه خود، نکات جالبی درباره زبان و فرهنگ ایرانیان در زمان شاهان صفوی نگاشته و در آن، تصاویر و نقشه‌های جالبی از شهرها، ابنیه، عمارت‌ها و اشخاص معروف را آورده است. آدام اولناریوس سرانجام در 23 فوریه 1671م در 68 سالگی درگذشت.